

مهري - اين روزها صفبندی نیروهاي داخل کشور چگونه است؟ اين صفبندی‌ها چه تغييراتي نسبت به سال‌هاي گذشته دارد؟ بد نيست اين را هم اشاره کنم که در آخرين شماره منتشر شده ايران فردا، بسياري از بازيگران انقلاب اسلامي، خاطرات خودشان را از نخستين روزهاي انقلاب، بخصوص در باره شوراي انقلاب بازگو کرده، جنگ‌هاي قدرت و صفبندی‌هاي عميق آن زمان را نشان داده‌اند.

تهراني - درست است. بسياري از شرکت کنندگان در شوراي انقلاب و بسياري از چهره‌هاي سرشناس جنبش سياسي ايران، اين روزها لب به سخن گشوده، درباره گذشته شوراي انقلاب، چگونگی تشکیل اين شورا و صفبندی‌هاي سياسي آن دوران سخن مي‌گویند. اين بازگويي‌ها مسلماً مي‌تواند به روشن شدن خيلي از ابهامات - که جنبش دوم خرداد به آن نيازمند است - کمک کند. همينطور اين اطلاعات و خاطرات براي جواناني که در دوران انقلاب کودک بودند، حاوي روشننگري‌هاي بسياري است. در واقع نوعي بازگويي و باز نويسي خاطرات، انتقال تجربه‌هاي يك نسل پيشين است به نسلي که امروز پرچمدار جنبش آزادي‌خواهي ايران در مقابل ارتجاع مذهبي است.

آنچه مهم است وضعيت اين صفبندی‌ها قبل از نوروز است. قبل از نوروز آتمسفر سنگيني جامعه ايران را فرا گرفته بود. ارتجاع مذهبي خودش را براي حمله اساسي به نیروهاي آزاديخواه و دگراندیشان آماده مي‌کرد. اين نیروها در آستانه سال نو براي هجوم به مردم، تحت عنوان پروژه عاشورا يا پروژه محرم آماده مي‌شدند. شعار اصلي جنبش دوم خرداد چيزي نيست جز اين‌که «دين آري، اما حکومت ديني نه!» اين بيان اصلاح‌طلبان مذهبي، مثل کديور، شبستري و بسياري از اندیشمندان جوان جمهوري اسلامي است. تدارک جناح ارتجاع براي حمله به جنبش دوم خرداد بايد در چند بخش انجام مي‌شد. مي‌خواستند در روز عاشورا به بهانه برگزارتي هرچه شورانگيزتر ايام عاشورا، شورش و خونريزي را تدارک ببينند؛ از اين طريق با سينه‌زني، زنجير زني و قه‌زني نیروهايي را بسيج کرده، در تهران به روزنامه‌هاي طرفدار دوم خرداد و دگراندیشان حمله کرده، بعضي از ايشان را به قتل برسانند. براي تدارک اين امر هم بازداشت محسن کديور را در دستور کارشان قرار دادند. بعد هم کرباسچي شهردار سابق تهران و دبیرکل حزب سازندگي را بازداشت کردند. براي بستن روزنامه زن هم زمينه‌سازي کردند و بعد هم طرحشان را اجراء کردند. طرح استيضاح عطاالله مهاجراني را هم در برنامه داشتند که فعلاً موفق نشدند.

نیروهاي تاريخ‌اندیش، پس از پيروي نامزدهاي مستقل در انتخابات شوراهاي شهر و روستا به وحشت افتادند. اسدالله بادامچيان، از نظريه‌پردازان جناح راست و عضو عالي‌رتبه هيتت مولفه اسلامي در مصاحبه‌اي قبل از سال نو با روزنامه «صبح» که ناشر آن «مهدي نصيري» يکي از عوامل جناح سرکوب است، هم‌چنين در روزنامه «شما» ارگان ديگر دست راستي‌ها، يک يورش - حتا - خونين را تا پايان وضع کنوني براي مهار بحران پيشنهاده کرده است. به عقیده نصيري: بحران کنوني، بنيان و اساس نظام را هدف گرفته است و بايد هرچه زودتر مهار شود. ايشان مجريان اين بحران را طرفداران دوم خرداد و ياران محمد خاتمي قلمداد کرده، به صراحت وصيت‌نامه اسدالله لاجوردي - همکار قديمي بادامچيان - را تکرار کرده است. اين تدارکات قبل از نوروز است.

علي خامنه‌اي هم در بسياري از جلساتي که با شرکت سران جناح محافظه کار و رئيس دفترش گلپايگاني برگزار مي‌شد، تصميم گرفته بود به مشهد که پایگاه اصلي ايشان است برود. خراسان پایگاه اصلي علي خامنه‌اي است؛ چرا که واعظ طبسي فرمانرواي آنست. طبسي برخي از نیروهاي نظامي را هم در اختيار دارد، خامنه‌اي طبق معمول قبل از نوروز به مشهد سفر کرد تا فرمان اجرائي طرح را بدهد. در سخنراني‌اي که خامنه‌اي در آستانه نوروز در مشهد ايراد کرد - البته بعد از مشاوره با شيخ عباس واعظ طبسي - مطبوعات را به شدت مورد حمله قرار داد. از همان‌جا هم فرمان آتش را صادر کرد. در هفته اول بعد از نوروز در نماز جمعه شيخ محمد يزدي قاضي‌القضات اردو ارتجاع به مطبوعات و اهل قلم به روشني حمله کرد و گفت: فردا که شما را گرفتيم و توبيخ کرديم، فریاد نزنيد! به اين ترتيب عملاً تدارک حمله انجام گرفت. قرار بود تا دهه محرم صبر کنند تا در اين دوره خاص، برنامه‌شان را انجام دهند. اين طرح با هوشياري مطبوعات طرفدار جبهه دوم خرداد و بسياري از روشنفکران ايران تعليق به محال شد. يکي از فاکتورهايي که موجب عدم اجرائي اين برنامه شد، نامه 349 نفر از روزنامه‌نگاران کشور به محمد خاتمي بود. اينان در اين نامه به فضاي ناامن

علیه مطبوعات اشاره کرده، بودند. همچنین از خاتمی خواسته بودند به این فضا پایان دهد. به ویژه نقش روزنامه‌های صبح امروز، نشاط، خرداد و سلام در افشای این توطئه اساسی است. در همین راستا محسن کدیور را به 18 ماه زندان محکوم کردند. نقش رفسنجانی هم در این رابطه خنثا بود. گویا ایشان در دو ملاقات با محمد یزدی و علی خامنه‌ای نتوانسته بود نظر ایشان را برای ادامه کار دخترش جلب کند. این جناح حتا توهین‌هایی هم به فائزه هاشمی کرد.

به نظر می‌رسد در پشت پرده در ایران کشمکش فراوانی هست؛ به طوری که چندبار علی فلاحیان موقتا بازداشت و آزاد شده است. الان هم در محافل ایران گفته می‌شود که فلاحیان در بازداشت است. واقعیت این است که برای بیان واقعیت‌های این قتل‌های سیاسی، توافقی بین دو جناح روی داده است. عده‌ای معتقدند که اگر آقایان را به محکمه بیاوریم و مسائل طرح شود، به این عده 5/6 نفر قربانیان اخیر ختم نخواهد شد، بلکه دیگر قتل‌های داخل و خارج از کشور حتا دامن روح‌الله خمینی، خامنه‌ای و بخصوص رفسنجانی را خواهد گرفت.

یکی از مسائلی که در مردم تردید ایجاد می‌کند، سکوت دادستانی در این رابطه و عدم معرفی عاملان قتل‌هاست. به همین دلیل اعتراض‌ها از بیشتر محافل سیاسی ایران به گوش می‌رسد. مه‌ری - من لحظاتی پیش با خانم پرستو فروهر گفت‌وگو می‌کردم. ایشان گفتند که دادستانی حتا شماره پرونده قتل‌ها را هم در اختیار وکیل مدافع ایشان قرار نمی‌دهد.

تهرانی - من از دوستانم که وکیل دادگستری هستند، سوال کردم. ایشان هم معتقدند که هیچ‌گونه اطلاعاتی در اختیار وکلای خانواده‌ی مقتولین نگذاشته‌اند. اصولا برای اطلاعات مربوط به این قتل‌ها يك خط قرمزى قائل شده‌اند. این رفتار برمی‌گردد به جدالی که بین این دو جناح در جریان است.

مه‌ری - از اطلاعات متناقض شخصیت‌های مختلف رژیم اینطور به نظر می‌آید که دارند کارشکنی می‌کنند. تهرانی - این‌ها می‌دانند که پیکار اصلی جنبش درون ایران آغاز شده و بسیاری از نهادهای این جماعت را منحل خواهد کرد. انحلال دادگاه ویژه روحانیت یکی از این خواست‌هاست. این نهاد در قانون اساسی کشور پیش‌بینی نشده است. خواست بعدی مردم انحلال شورای نظارت استصوابی است که یکی از موانع انتخابات تقریباً آزاد دوره‌های آینده است. در این جا سرنوشت نهایی گروه طالبان ایران رقم خواهد خورد.

مه‌ری - مثل این که در این زمینه لایحه‌ای هم به مجلس داده‌اند؟!!

تهرانی - بله، این دو مساله اساسی است که باید تکلیفش روشن شود؛ دادگاه ویژه روحانیت است و شورای نظارت استصوابی. این دو نهاد در واقع شیشه عمر نظام است. با شکستی که این جناح در طرح استیضاح خورد، پیام را گرفت. یواش یواش هم بسیاری از نیروها از ایشان جدا می‌شوند؛ چنانکه در جبهه راست جمهوری اسلامی، بخش‌هایی از این‌ها کنده شده‌اند؛ مثل ناطق نوری و بعضی از اطرافیان هاشمی رفسنجانی. این‌ها می‌کوشند حسابشان را از راست سنتی جدا کنند. چون فهمیده‌اند که روند عمومی جامعه امکانی برای ادامه حیات دیکتاتوری مذهبی و یا اصولا حکومت ولایت فقیه باقی نخواهد گذاشت.

مه‌ری - روزنامه‌هایی که صدای جناح راست و سنتی هستند، چه نقشی در این شرایط بازی می‌کنند؟

مقاله‌هایی که در روزنامه کیهان چاپ تهران در باره شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی ایرانی درون مرز و برون مرز منتشر می‌کند، جز دروغ و شبهه و تهمت چیز دیگری نیست. علت این کارها چیست؟ آیا این کار نوعی زمینه‌سازی برای قتل نیست؟

تهرانی - کیهان چاپ تهران در واقع ارگان دستگاه «واواک» است. از افراد اصلی گرداننده این نشریه هم یکی شریعتداری است، یکی هم شایانفر که در ضمن از شکنجه‌گران و بازجویان هم هستند. این ارگان، ارگان سرکوب، لجن‌پراکنی، و بالاخص تدارک قتل‌هاست. در این زمینه هم آرشيو خيلي مفصلي دارند که از دست ارگان‌های دولتی خارج شده است. کوشش این‌ها این است که قتل‌ها را شرعی جلوه دهند. ما شاهد حمله‌هایی هستیم که در هفته‌های اخیر به خانم سیمین بهبهانی و خیلی‌های دیگر کرده‌اند، به قول خانم بهبهانی دارند عملا به طرفداران ایمانی‌شان حالی می‌کنند که این روشنفکران آدم‌های مفسدي هستند و قتلشان واجب است. عملا هم دارند تدارک قتل عام مردم را می‌بینند. واقعیت این است که وضع اینان مثل بقیه مرتجعین جمهوری اسلامی، با خیزش عمومی مردم به پایان خواهد رسید، نه با دادگاه‌هایی که زیر نظر محمد یزدی است. به این جهت من فکر می‌کنم یکی از مسائلی که برای روشنفکران مطرح است و باید مطرح باشد، حفظ نگاه انتقادی به این گونه ارگان‌های فاشیستی است که عملا جماعتی را به قتل روشنفکران کشور تشویق می‌کند. رسالت هم چنین نقشی را دارد. روزنامه جمهوری اسلامی و روزنامه جبهه که الان به جایی شلمچه منتشر می‌شود، این‌ها همه ارگان‌های ارتجاع مذهبی و طرفداران حکومت ولایی هستند. اما در مقابل این‌ها روزنامه‌هایی که طرفدار

حرکت دوم خرداد هستند نقش بسیار آگاهانه‌ای را پیش گرفته‌اند و در واقع باید گفت که در خنثا کردن توطئه قتل عام عمومی مردم، یا پروژه عاشورا نقشی اساسی دارند. مطبوعات به صورت رکن چهارم دموکراسی در ایران درآمده‌اند و نقش بسیار اساسی‌ای طی یک‌سال گذشته به عهده گرفته‌اند.